

تأیید مذاکره‌کنندگان تأکید بر خطوط قرمز

صفحه ۲

پنجشنبه ۲۵ فروردین ۱۴۰۱ | ۱۲ رمضان ۱۴۴۳ | ۱۴ آوریل ۲۰۲۲ | سال چهاردهم | شماره ۳۴۳ | صفحه ۳۰۰۰ تومان

تیترهای امروز

نمایشگاه کتاب تهران اردیبهشت امسال به صورت فیزیکی برگزار خواهد شد

شهر آفتاب یا وسط‌شهر

صفحه ۸

سازمان بیمه سلامت ایران: افراد فاقد بیمه پایه ۳ دهک پایین درآمدی به صورت رایگان تحت پوشش قرار می‌گیرند

کم‌درآمدها زیر چتر بیمه

۸ میلیون نفر از جمعیت کشور فاقد بیمه هستند

صفحه ۴

پرسپولیس و گل محمدی همان چیزی را از دست دادند که راز دوره طلایی‌شان بود

حراج اعتماد

صفحه ۶

رئیس هیأت مدیره انجمن صنفی گاوداران: مافیای گوشت اجازه کاهش قیمت این کالا را نمی‌دهد!



صفحه ۵

نگاه

نکاتی درباره سیاست‌های کلی تأمین اجتماعی

وحید برسپاه: ابلاغ سیاست‌های کلی تأمین اجتماعی از سوی مقام معظم رهبری نشان‌دهنده عزم جدی حاکمیت درباره

پایان دادن به مساله فقر و محرومیت و ایجاد رفاه برای احاد جامعه است. در ادامه به چند نکته درباره این سیاست‌ها اشاره خواهد شد.
مطلوب است در همین ابتدای راه، برخی مفاهیم پدروستی

تعریف شود تا در ادامه مردم و همچنین جامعه سیاست‌گذار کشور دچار تفسیرهای متعدد و ابهام نشوند. اولین چیزی که در سیاست‌های کلی تأمین اجتماعی به عنوان هدف مورد اشاره قرار گرفته، ایجاد رفاه عمومی است. به نظر می‌رسد باید توافق اولیه و مشترکی درباره تعریف «رفاه اجتماعی یا رفاه عمومی» بین جامعه سیاست‌گذار کشور وجود داشته باشد تا ابزارهای مورد نیاز رسیدن به این هدف نیز از نظر همگان قابل قبول باشد. به طور کلی ۳ تعریف از رفاه اجتماعی وجود دارد: ۱- تأمین نیازهای اساسی انسان ۲- کاهش،

رفع، پیشگیری یا کنترل مشکلات اجتماعی ۳- تأمین نیازهای مادی و معنوی انسان. به منظور رسیدن به هدف رفاه اجتماعی بر مبنای هر کدام از این تعاریف، باید با کاربست ابزارهای اجتماعی مطابق تعریف شماره ۱ با ابزار بیمه‌های مناسب اقدام کرد. به نظر می‌رسد هدف ایجاد رفاه اجتماعی، کمک اجتماعی و کمک متقابل قابل دستیابی است، لکن برای رسیدن به رفاه اجتماعی مبتنی بر تعاریف شماره ۲ و ۳ استفاده صرف از چنین ابزارهایی منجر به حصول هدف و نتیجه لازم نخواهد شد. به عبارت دیگر رفاه اجتماعی منتج از تعاریف ۲ و ۳ نیازمند عملکرد مطلوب کلیت نظام اقتصادی یک جامعه و نه صرفاً یک یا ۲ نهاد مربوط مانند صندوق‌های بازنشستگی و سازمان بهزیستی است. به دیگر معنا متغیرهای موثر فرابخشی خارج از نظام رفاهی (مانند نرخ تورم و نرخ بیکاری) حاصل عملکرد نهادهایی است که ممکن است لزوماً درون نظام رفاهی نباشند ولی تصمیمات آنها کاملاً اثرگذار بر سیاست‌های رفاهی باشد. بنابراین به طور خلاصه باید متذکر شد تعریف قیّیق رفاه اجتماعی باید توسط

سیاست‌گذار مشخص و بر همان مبنا ابزارهای لازم جهت رسیدن به آن فراهم شود. نکته دیگری که درباره سیاست‌های کلی تأمین اجتماعی وجود دارد این است که قابلیت سنجش داشته باشد. به دیگر معنا هر کدام از این بندهای سیاستی باید بر مبنای شاخص‌ها و معیارهایی مورد ارزیابی قرار بگیرد تا به سرانوش سیاست‌های کلی در حوزه‌های دیگر دچار نشود. به عبارت دیگر باید درباره ارزیابی هر کدام از این ۹ بند...

ادامه در صفحه ۶



۱۸۳سال و ۱۸۰روز گذشت |

VATANEMROOZ.IR

روزنامه صبح ایران

پوتین:

جهان تگ قطبی در حال فروپاشی است

صفحه ۷

VATAN-E-EMROOZ | VOL.14 | NO.3463 | THU.APR.14, 2022 | ISSN:2008-2886

بر اساس گزارش اوپک، ایران در ماه اخیر میلادی ۲ میلیون و ۵۴۶ هزار بشکه نفت در روز تولید کرده است

بوی خوش نفت

قیمت نفت سنگین ایران با افزایش ۲۰ درصدی به بیش از ۱۱۲ دلار در هر بشکه رسید

صفحه ۳

پروژه باکو و آتکارا برای تغییر مرزهای شمالی

از طریق قطع مرز ایران و ارمنستان فعلا ناکام ماند

علی‌اف از ساخت کریدور ارتباطی باکو – نخجوان از طریق ایران خبر داد

زور زنگرور نرسید



صفحه ۲

عدالت تشریحی در اسلام

■ **اصول عدالت تشریحی در اسلام**

در سطور گذشته مفهوم‌شناسی عدالت به عنوان یک ارزش غایی و التزامی یا الزامی، در حوزه فردی و اجتماعی بیان شد. سوال اصلی این است: این ارزش غایی بر اساس چه اصولی باید اجرا شود؟ در پاسخ، باید گفت اصول عدالت نیز در ۲ حوزه فردی و اجتماعی قابل تبیین است.

اصول عدالت تشریحی در حوزه فردی عبارت است از: «انجام واجبات و ترک محرمات، در دایره احکام شرع مبین». باید تأکید کرد در اینجا منظور، واجبات و محرمات در حوزه فردی است که قاعده اضرار به غیر در آنها نباشد.

در عدالت به مفهوم اخص آن، یعنی عدالت اجتماعی نیز اصول عدالت «در وهله اول، عدم برخورد جانبدارانه در صیانت از جان و مال و آبروی افراد جامعه، و در وهله دوم، توزیع جانب‌دارانه خیرها، منافع، مواهب، سودها و زحمات جامعه بین افراد با رعایت قواعد: تناسب، لیاقت‌ها، شادکامی‌ها، توان‌ها، نیازهای اساسی و با حقوق آنان است.» مشاهده شد در اصول عدالت اجتماعی، برخورد جانب‌دارانه، به عنوان اصلی اساسی مطرح است. بنابراین عدالت اجتماعی از نظر شکلی متصف با جانب‌داری و از نظر محتوایی بر ۲ پایه صیانت و توزیع استوار است. البته باید توجه داشت مجازات مجرمان نیز در پایه اول مستتر است. توضیح ضروری اینکه مراد از صیانت از افراد جامعه همان قدرتیست‌گذاری و خط‌مشی‌گذاری است. از طرفی برخورد قاهرانه با متجاوزان و مجرمان است. در بخش دوم عدالت اجتماعی که عدالت توزیحی نیز خوانده می‌شود، مهم‌ترین بحث تعیین اولویت در انتخاب قواعد است. نقطه شروع اختلاف بسیاری از مکاتب و نظریه‌پردازان اسلامی و غربی در همین نکته مستتر است. بسیاری از نظریه‌های عدالت توزیحی، بنا بر اینکه کدام قاعده (حق، نیاز، تناسب، لیاقت، شادکامی و...) را مبنا گرفته‌اند، قابل تحلیل و بررسی است. این قواعد، مهم‌ترین اثر را در سیاست‌گذاری و خط‌مشی‌گذاری دولت‌ها و حکومت‌ها خواهد داشت که توضیح آن نوشتاری جداگانه را می‌طلبد. در بخش پایانی نیز صرفاً ۲ تفاوت بنیادین نگاه اسلامی و غیراسلامی به مفهوم عدالت را مورد مذاقه قرار خواهیم داد.

■ **۲ تفاوت بنیادین نگاه اسلامی و غیراسلامی به مفهوم عدالت**

بعد از روشن شدن مفهوم عدالت در اسلام و تعیین اصول عدالت فردی و اجتماعی، بهتر است به تفاوت‌های نگاه اندیشمندان غربی و مسلمان در این باب نیز پرداخته شود. بیشتر تعارضات ملموس کارکردی بین اندیشمندان مسلمان، در عرصه عدالت توزیحی است. یعنی کدام قاعده، مبنای توزیع مواهب یا زحمات بین افراد جامعه است؟ به عنوان مثال شهید مطهری از استحقاق به عنوان مبنای اصلی عدالت و شهید صدر از نیاز نام می‌برند. اندیشمندان مسلمان از نظر مبنایی اختلاف آنچنان‌چندی ندارند اما در نسبت‌سنجی نظریات اندیشمندان مسلمان با متفکران مغرب زمین (البته در دوره معاصر) ۲ تفاوت بنیادین و مهم در این باب را می‌توان ذکر کرد: ۱- تقدم عدالت فردی بر عدالت اجتماعی ۲- عدالت به مثابه ارزش و نه صرفاً ابزار تحقق منافع متقابل. در اینجا به صورت اجمال، صرفاً به بررسی این ۲ تفاوت مهم می‌پردازیم.

در تقدم عدالت فردی بر عدالت اجتماعی نظر غالب اندیشمندان اسلامی بر ارجحیت اصلاح فرد بر اصلاح جامعه است. در واقع گزاره «فرد عادل می‌تواند جامعه عادلانه را بر پا کند»، مورد تصدیق است در حالی که در بین اندیشمندان غربی معاصر، جدا از آنکه اختلافات جدی و بعضاً متضادی در وصف جامعه عادلانه بین آنان وجود دارد اما اولویت، برپایی جامعه عادلانه، بر مبنای نهاده‌ها و روندهاست نه افراد. در اینجا گزاره «رویه عادلانه، منجر به برپایی جامعه عادلانه خواهد شد» مورد تصدیق است.

در تبیین اختلاف دوم نیز باید گفت در اسلام، برپایی جامعه عادلانه جهت بسترسازی برای سعادت اخروی افراد بر مبنای توحید است اما در نگاه مقابل، برپایی جامعه عادلانه ابزاری جهت کسب منفعت متقابل تفسیر می‌شود. یعنی عدالت باید اجرا شود، زیرا نفع متقابل افراد در گرو اجرای آن است و در تبیین مفهوم، اصول و مبنای آن نیز به عقل بشری بر اساس بنیان قراردادی، رجوع می‌کنند اما در نگاه اسلامی، عدالت باید اجرا شود، چون اجرای آن درست و بیجاست، نه اینکه چون نفعی برای همگان دارد باید تحقق یابد، لذا نمی‌توان گفت با

این نگاه، عدالت در اسلام مطلق است نه نسبی. می‌توان گفت در نظریات و فلسفه‌های سیاسی، یک ارزش غایی به عنوان ارزش برتر تعیین و مابقی ارزش‌ها ذیل آن ارزش تعریف می‌شود. از نگاه اسلام بالاترین ارزش و هدف در عرصه اجتماع، برپایی عدالت است (آیه ۲۵ سوره حدید). دستیابی فرد به سعادت در ذیل توحید، هدف نهایی مکاتب الهی است اما برپایی جامعه عادلانه یک هدف میانی و بسترساز سعادت افراد است.

عدالت در اسلام از توحید آغاز و به توحید ختم می‌شود. عدالت اسلامی یک ارزش تکوینی بر مبنای عدل خداوند تفسیر می‌شود و جامعه انسانی نیز چه در حوزه فردی و چه در حوزه اجتماعی موظف به اجرای عدالت است تا با عالم تکوین هماهنگ و همگون باشد. اما در نگاه برخی اندیشمندان غربی، عدالت، به مثابه ابزار کسب منفعت متقابل در نظر گرفته شده است.

در نگاه اسلامی، عدالت انسانی به ۲ حوزه فردی و اجتماعی قابل تقسیم است. در تعریف عام که ناظر به حوزه فردی است می‌توان گفت: «فعل یا وضعیتی است درست، خوب، بجا و التزامی» که در تعریف اخص آن نیز که ناظر به جامعه است با بسط مفهومی، عبارت است از: «فعل یا وضعیتی درست، خوب، بجا و الزامی در راستای رساندن سود، زحمت یا کفر به فرد یا افراد معین». اصول عدالت فردی نیز عبارت از «انجام واجبات و ترک گناهان» و در حوزه اجتماعی «در وهله اول، عدم برخورد جانبدارانه در صیانت از جان و مال و آبروی افراد جامعه، و در وهله دوم، توزیع جانب‌دارانه خیرها، منافع، مواهب، سودها و زحمات جامعه، بین افراد، با رعایت قواعد: تناسب‌ها، لیاقت‌ها، شادکامی‌ها، توان‌ها، نیازهای اساسی با حقوق آنان» است. کلام آخر اینکه برای بررسی بهتر مفهوم عدالت لازم است برای آشنایی با نگاه اندیشمندان مسلمان و غربی همت گماشت.

■ **پژوهشگر عدالت**

پی‌نوشت

۱- بِالْعَدْلِ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ؛ آسمان‌ها و زمین، با عدالت، یا برجا می‌مانند. (آل‌عالی الالکی، ج ۴، ص ۱۰۳ | ۲- یونس: ۴۲؛ شوری: ۴۲)